



## همسفر عشق

راه دشواری تا پایان زندگی مانده است ، راهی که مقصدش رو به خدا است...

راهی که باید صبر کرد باید انتظار کشید تا به پایان آن رسید...

از آغاز زندگی ام تنهایی در این راه به زندگی ام ادامه می دادم ، تنهایی بدون هیچ یار و یوری  
...

آنگاه در بین راه فرشته ای را دیدم که عاشق آن شدم...

دیگر تنها نبودم دیگر احساس تنهایی نمی کردم چون هم یاری داشتم و هم یوری...

غم و غصه های عاشقی به سراغم آمد ... همچنان او همسفرم ماند...

بدون او دیگر نمی توانستم به آن راه پر پیچ و خم زندگی ادامه بدهم...

دستهای گرمش را گرفتم و با او عهد بستم که تا پایان راه زندگی با او باشم...

او همسفرم شد ، همسفری که هیچگاه از او جدا نخواهم شد...

بیا و تا آخر راه با من باش ای همسفر عشق...

بیا و از سختی ها و از حادثه های زندگی در این راه سبقت بگیریم...

بیا و با همین پاهای پر توانمان تا آخر راه بدون توقف حرکت کنیم...

تنها باید به پایان راه نگاه کنیم و هدف ما بهم رسیدنمان باشد...

پایان این راه مرگ است ، یا با بهم رسیدنمان یا بدون اینکه بهم برسیم!...

بیا ای همسفر عشق ما آنهایی باشیم که بهم میرسیم و بعد از دنیا وداع میگوییم...

سفر پر از حادثه ای در پیش داریم ، سفری که شاید ما را از هم جدا کند...

ما مسافران شهر عشق هستیم ، مقصدمان شهر عشق است...

شهر عشق گلباران خواهد شد اگر ما به آنجا برسیم...

همه ساکنان شهر عشق منتظر ما می باشند...

و با دسته گل‌های زیبا و نگاه های پر از امید به استقبال ما خواهند آمد...

ای همسفر عشق در این سفر پر حادثه دستت را از من جدا نکن...

با یکرنگی و یکدلی و صداقت به راهت ادامه بده...

توکل به خدا کن تا با کمک خداوند به سلامت به شهر عشق برسیم

تا در آنجا بتوانیم همدیگر را در آغوش هم بگیریم...

**الهی به امید تو.....**



**[alifathi1385.blogfa.com](http://alifathi1385.blogfa.com)**